

تاثیر سرمایه فکری بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

ابراهیم عنایت‌پور شیاده

کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائمشهر، قائمشهر، ایران

Ebi77ir@gmail.com

دکتر سید حسین نسل موسوی

استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائمشهر، قائمشهر، ایران، (نویسنده مسئول)

Nseyedhossein2@yahoo.com

مهرداد جباری

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائمشهر، قائمشهر، ایران

T_parseh@yahoo.com

چکیده

در این پژوهش تاثیر سرمایه فکری به عنوان متغیر مداخله‌گر بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شده است. نمونه آماری پژوهش شامل ۱۲۵ شرکت طی سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ است. روش آماری استفاده شده جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، رگرسیون چندگانه می‌باشد. مولفه‌های حاکمیت شرکتی شامل حضور زن در هیئت مدیره، دوگانگی مدیرعامل، استقلال هیئت مدیره و ... بوده است. سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری و سرمایه رابطه‌ای مولفه‌های سرمایه فکری بوده‌اند و عملکرد شرکت از طریق بازده دارائیه‌ها محاسبه شده است. بر اساس محاسبات انجام شده با نرم‌افزار ایویوز، درصد تغییرپذیری عملکرد شرکت از سرمایه فکری تبیین گردید. همچنین تاثیر سرمایه فکری بر حاکمیت شرکتی تأیید گردید. اما حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکت تاثیر معنی‌داری نداشته است. پس از آن یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه اصلی نشان داد که سرمایه فکری بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت نقش مداخله‌گر داشته است.

واژگان کلیدی: سرمایه فکری، حاکمیت شرکتی، عملکرد شرکت.

مقدمه

با شکل گرفتن شرکت‌های سهامی نوین، به تدریج مالکان اختیارات بیشتری را به مدیران تفویض کردند و در نتیجه، تفکیک مالکیت از مدیریت به یکی از مسائل مهم نظریه‌های سازمانی تبدیل شد. تفکیک مالکیت از مدیریت منجر به شکل گرفتن مفهوم راهبری شرکتی شده است که شامل ساز و کارهای مختلفی برای نظارت بر کار مدیران اجرایی جهت حصول اطمینان از اتخاذ تصمیمات کارا و بیشینه کردن ارزش شرکت است. با گسترش تفکیک مالکیت از مدیریت در فعالیت‌های تجاری همراه با گسترش بازار سرمایه در دهه ۱۹۹۰، افزایش تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار و جهانی شدن بازار سرمایه، نیاز به طراحی و استقرار نظام راهبری کارآمد در شرکت‌ها هم بیشتر شده است (رضازاده، ۱۳۹۵). شلیفر و ویشنی^۱ حاکمیت شرکتی را به عنوان فرایندی تعریف می‌کنند که در آن به تامین‌کنندگان مالی بابت برگشت سرمایه اطمینان می‌دهد. این بدان معنی است که شرکتها باید سودآور باشند تا بتوانند به سهامداران،

¹ Shleifer & Vishny